

The Effect of Geographic Dispersion On Accrual-Based Earnings Management & Real Activities Earnings Management

Mahdieh Taheri¹, Majid Azimi Yancheshmeh²

Received : 2018/05/20

Approved: 2018/09/01

Abstract

Earning managements means general intervention of management in the process of determining earnings, which is often in line with desired objectives of the management. In the accounting literature, the most common methods for earnings management are accrual-based earnings management and real activities earnings management. This study examines the effectiveness of a firm's geographic dispersion on choosing between the two kinds of earning management, as the real activities earnings management and the accrual-based earnings management, to be followed. This research is an empirical fundamental in terms of objective and a correlation in terms of nature. The statistical population consists of firms listed in Tehran Stock Exchange in the period from 1386 to 1394. The sample consists of 105 firms from different industries and the sampling method is systematic elimination, libraries and documentation. This study has two hypotheses which are tested using multivariate regression and T-test models. The results show that geographically dispersed firms have a lower level of accrual-based earnings management as well as real activities earnings management, as compared to the other firms.

Keywords: earning, earnings management, accrual-based earnings management, real activities earnings management, geographical dispersed firms.

Jel clacification: M41, G33, G32

DOI: 10.22051/jera.2018.19678.1984

¹ MSc. Student, Nongovernmental nonprofit institution of higher education Hasht Behsht, Isfahan, Iran, (Mahdieh.ta6162@gmail.com)

² Assistant Prof of Accounting, Azad university Folad Mobarakeh branch, Isfahan, Iran, (Azimimajid.yan@yahoo.com)

اثر پراکندگی جغرافیایی بر مدیریت سود بر پایه ارقام تعهدی و مدیریت سود بر پایه فعالیت‌های واقعی

مهديه طاهري*، مجيد عظيمي يانچشمه**

تاریخ دریافت: ۹۷/۰۲/۳۰

تاریخ پذیرش: ۹۷/۰۶/۱۰

چکیده

مدیریت سود به مداخله عمومی مدیریت در فرآیند تعیین سود که غالباً در راستای اهداف دلخواه مدیریت هست، اطلاق می‌گردد. در کتاب‌شناسی حسابداری، متداول‌ترین روش‌ها برای مدیریت کردن سود، مدیریت سود بر پایه ارقام تعهدی و مدیریت سود بر پایه فعالیت‌های واقعی است. پژوهش حاضر، به بررسی چگونگی اثرگذاری پراکندگی جغرافیایی یک شرکت بر گزینش‌های مدیریت سود از میان مدیریت سود بر پایه فعالیت‌های واقعی و مدیریت سود بر پایه ارقام تعهدی دنبال شده است. این پژوهش، از لحاظ هدف، بنیادی تجربی و از لحاظ ماهیت، همبستگی است. جامعه آماری این پژوهش شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران در بازه زمانی سال‌های ۱۳۸۶ تا پایان ۱۳۹۴ است. برای جمع‌آوری اطلاعات و داده‌های مالی ۱۰۵ شرکت از صنایع مختلف، از روش نمونه‌گیری حذف سامانمند، کتابخانه‌ای و اسناد کاوی استفاده می‌شود. در راستای هدف پژوهش، دو فرضیه تدوین شد و با استفاده از مدل‌های رگرسیون چند متغیره و روش تی استیودنت، به آزمون هر یک از فرضیه‌های پژوهش پرداخته شد. نتایج حاصل از پژوهش نشان داد، شرکت‌هایی که از نگاه جغرافیایی پراکنده‌اند در هم سنجی با شرکت‌های دیگر، سطح پایین‌تری از مدیریت سود بر پایه ارقام تعهدی و هم‌چنین مدیریت سود بر پایه فعالیت‌های واقعی را دارند.

واژه‌های کلیدی: سود، مدیریت سود، مدیریت سود بر پایه ارقام تعهدی، مدیریت سود بر پایه

فعالیت‌های واقعی، پراکندگی جغرافیایی شرکت‌ها

طبقه‌بندی موضوعی: M41, G33, G32

DOI: 10.22051/jera.2018.19678.1984

* دانشجوی کارشناسی ارشد مؤسسه آموزش عالی غیردولتی غیرانتفاعی هشت‌بهشت واحد اصفهان، اصفهان، ایران، (نویسنده مسئول)، (Mahdieh.ta6162@gmail.com)

** استادیار گروه حسابداری دانشگاه آزاد مبارکه واحد اصفهان - ایران، (Azimimajid.yan@yahoo.com)

مقدمه

سود مهم‌ترین محصول سامانه حسابداری است که هدف اصلی آن فراهم آوردن اطلاعات لازم برای ارزیابی عملکرد واحد تجاری و توانایی پیش‌بینی جریان‌های نقدی آتی است. محاسبه سود حسابداری به‌عنوان معیاری برای ارزیابی عملکرد شرکت‌ها و یا اطلاعاتی که در محاسبه آن لحاظ می‌شود، به‌وسیله هیئت استانداردهای حسابداری مالی در بیانیه‌های مفهومی آن هیئت، مفاهیم نظری گزارشگری مالی ایران، مبانی نظری حسابداری و گزارشگری مالی ایران و در کل حسابداران حرفه‌ای و تحلیلگران و مفسران مالی همواره مورد تأکید قرار داشته است.

چندین سال است که مفهوم کیفیت سود مورد توجه دانشمندان حسابداری قرار گرفته است. بنابراین کیفیت سود از معیارهای با اهمیت در تصمیم‌گیری‌ها محسوب می‌گردد. از دیدگاه سرمایه‌گذاران، سود بی‌کیفیت ناخوشایند است و به دلیل آنکه رشد اقتصادی را از طریق تخصیص نابهینه سرمایه کاهش می‌دهد و ناکاراست. سود باکیفیت از آنجا که خطر اطلاعات را کاهش می‌دهد به کاهش هزینه تأمین مالی از سهام‌داران و افزایش حجم معاملات می‌انجامد. تعاریف بسیاری از کیفیت سود در طول زمان ارائه شده است. برپایه یکی از این تعاریف سودی باکیفیت است که مدیریت نشده باشد. تعریف دیگر سود دارای کیفیت را سودی می‌دانند که به جریان وجوه نقد نزدیک‌تر باشد (ساسان مهرانی، ۱۳۹۳).

یکی از روش‌هایی که گاهی اوقات برای آرایش اطلاع‌رسانی وضعیت مطلوب شرکت‌ها مورد استفاده قرار می‌گیرد، مدیریت سود هست.

با توجه به موارد ذکر شده، سؤال اصلی که این پژوهش به دنبال یافتن پاسخ آن می‌باشد، این است که چگونه پراکنندگی جغرافیایی یک شرکت بر گزینش‌های مدیریت سود از میان مدیریت سود بر پایه فعالیت‌های واقعی و مدیریت سود بر پایه اقلام تعهدی اثر می‌گذارد؟ در پژوهش حاضر سعی بر این است که بفهمیم شرکت‌هایی که از نظر جغرافیایی پراکنده تر هستند گونه‌های مدیریت سودشان با شرکت‌هایی که پراکنده نیستند متفاوت است.

مبانی نظری و پیشینه پژوهش

مدیریت سود

مدیریت سود به مداخله عمومی مدیریت در فرآیند تعیین سود که غالباً در راستای اهداف دلخواه مدیریت هست، اطلاق می‌گردد (ویلدا و همکاران، ۲۰۰۱). مدیریت سود روشی است که توسط مدیریت جهت دست‌کاری داده‌ها به کار می‌رود. به‌عنوان مثال، هموار نمودن سود برای کسب اطمینان بیشتر سرمایه‌گذاران از پایداری سود، نمونه‌ای از دست‌کاری داده‌ها محسوب می‌شود. این قبیل اقدامات ممکن است داده‌های موجود در صورت‌های مالی را به میزان فراوان تحت تأثیر قرار دهد. راه‌های مختلفی وجود دارد که طی آن می‌توان از ثبت‌های دفتری در جهت مدیریت سود استفاده کرد. در بیشتر زمان‌ها از ثبت‌های نامشروع در دفترهای حسابداری به‌منظور سرپوش گذاشتن بر سوءاستفاده‌های مالی استفاده می‌شود، در سایر مواقع از ثبت‌ها به‌عنوان ابزاری برای مدیریت سود استفاده می‌شود. مدیریت شرکت در هنگام اعمال مدیریت سود، آشکارا می‌داند که هدف از این کار، نگهداری از منافع شرکت در مقابل صاحبان سود هست. حتی در موارد دیگر مدیریت سود به‌منظور کسب پاداش اختصاص یافته به مدیران به‌علت نگهداری هر چه بیشتر از شرکت برابر صاحبان سود است.

هلی و والن (۱۹۹۹) بیان می‌کنند که مدیریت سود هنگامی رخ می‌دهد که مدیران از قضاوت‌های شخصی خود در گزارشگری مالی استفاده کنند و ساختار معاملات را جهت تغییر گزارشگری مالی دست‌کاری نمایند. این هدف یا به‌قصد گمراه کردن برخی از صاحبان سود در خصوص عملکرد اقتصادی شرکت یا تأثیر بر نتایج قراردادهایی است که انعقاد آن‌ها منوط به دستیابی به سود شخصی است.

شیپیر (۱۹۸۹) مفهوم مدیریت سود را به این صورت تعریف می‌کند: مداخله عمدی در فرآیند گزارشگری مالی برای به دست آوردن سطح مورد انتظار سود یعنی با توجه به مقاصد و اهداف مختلف مدیریت، ممکن است سود افزایش و یا کاهش یابد یا هموار شود.

مدیریت سود بر پایه ارقام تعهدی و بر پایه فعالیت‌های واقعی

در کتاب‌شناسی حسابداری، متداول‌ترین روش‌ها برای مدیریت سود، مدیریت سود بر پایه ارقام تعهدی و مدیریت سود بر پایه فعالیت‌های واقعی است. به اعتقاد دجو و اسکینر (۲۰۰۰) مدیریت سود بر پایه ارقام تعهدی شامل انتخاب‌های حسابداری در چارچوب اصول پذیرفته شده حسابداری است که تلاش دارد عملکرد واقعی اقتصادی را مبهم نشان دهد. مدیریت سود بر پایه ارقام تعهدی را مدیریت سود حسابداری نیز می‌گویند چرا که مدیران از طریق ارقام تعهدی اختیاری به آرایش ارقام حسابداری همساز باهدف‌های مطلوب خود می‌پردازند. به‌طور کلی این روش متأثر از انتخاب روش‌های حسابداری مناسب به‌وسیله مدیران، جهت دستیابی به سطوح مطلوب و موردنظر سود است. ارقام تعهدی را تفاوت بین سود حسابداری و جریان‌های نقدی عملیاتی می‌دانند. به بیان دیگر، تفاوت بین جریان‌های نقدی و زمان‌بندی شناخت معاملات است (علی‌آبادی و نوری فرد، ۱۳۸۸). در کتاب‌شناسی حسابداری ارقام تعهدی به دو نوع تفکیک شده است: ارقام تعهدی اختیاری و ارقام تعهدی غیر اختیاری. ارقام تعهدی اختیاری آن دسته از ارقام تعهدی هستند که مدیران می‌توانند آن‌ها را در چارچوب اصول پذیرفته شده حسابداری دست‌کاری کنند، درحالی‌که ارقام تعهدی غیر اختیاری در کنترل مدیران واحد تجاری نیستند.

مدیریت سود بر پایه فعالیت‌های واقعی زمانی رخ می‌دهد که مدیران فعالیت‌هایی را انجام می‌دهند تا برون داد سامانه حسابداری را تغییر دهند؛ این کار از راه دست‌کاری زمان‌بندی یا ساختار معاملات مالی انجام می‌شود (گانی، ۲۰۱۰). دست‌کاری فعالیت‌های واقعی، انحراف از روش‌های عادی عملیاتی بوده و باهدف رسیدن به آستانه‌های خاص سود انجام می‌شود. مدیریت سود بر پایه فعالیت‌های واقعی از طرق مختلفی به وجود می‌آید که عبارتند از: دست‌کاری هزینه‌های اختیاری (رویچودری، ۲۰۰۶)، تولید اضافی (توماس و ژانگ، ۲۰۰۲)، تخفیف‌های قیمتی فروش (یو، ۲۰۰۸)، تغییر زمان فروش دارایی‌ها (گانی، ۲۰۱۰)، فروش اوراق قابل معامله (هرمن و همکاران، ۲۰۰۳) که همگی به علت افزایش سود سازمان انجام می‌شود. معمولاً ارزیابی مدیریت سود بر پایه فعالیت‌های واقعی، رفتار فرصت‌طلبانه را آشکار می‌کند و سرمایه‌گذاران، بی‌کفایتی در استفاده از منابع را خواهند دید و این نوع

مدیریت سود، یکی از پیامدهای مهم تضاد منافع بین سهامداران و مدیران است. (خیراللهی و همکاران، ۱۳۹۳)

مدیران سود را هم از راه ارقام تعهدی اختیاری و هم از راه فعالیت‌های واقعی دست‌کاری می‌کنند. به عبارت دیگر این دو، نقش مکمل داشته و مدیران از هر دو در کنار همدیگر جهت رسیدن به اهداف مدیریت سود استفاده می‌کنند. اما بین مدیریت سود بر پایه ارقام تعهدی و مدیریت سود بر پایه فعالیت‌های واقعی تفاوت‌هایی وجود دارد: اولاً مدیریت سود بر پایه ارقام تعهدی از طریق انتخاب روش‌های حسابداری به وسیله مدیران صورت می‌گیرد و با تغییر در فعالیت‌های عملیاتی همراه نیست، درحالی‌که مدیریت سود بر پایه فعالیت‌های واقعی با تغییر در عملیات اساسی به منظور تغییر سودهای دوره جاری صورت می‌گیرد (گانی، ۲۰۱۰)؛ ثانیاً انتخاب‌های حسابداری راجع به ارقام تعهدی به منظور مدیریت سود تعهدی خطا و احتمال کشف شدن بیشتری در بررسی‌های حسابرسی دارد درحالی‌که قضاوتی بودن مدیریت سود بر پایه فعالیت‌های واقعی این احتمال را برای آن کاهش داده است (یو، ۲۰۰۸)، اما مهم‌ترین تفاوت بین مدیریت سود بر پایه ارقام تعهدی و مدیریت سود بر پایه فعالیت‌های واقعی، زمان مدیریت سود است (یو، ۲۰۰۸). اغلب مدیریت سود بر پایه فعالیت‌های واقعی در طی دوره مالی اتفاق می‌افتد درحالی‌که مدیریت سود بر پایه ارقام تعهدی در پایان دوره مالی به وقوع می‌پیوندد.

برقراری نوعی توازن میان گزینش‌های مدیران در پیوند با راه‌های جایگزین دست‌کاری در کتاب‌شناسی حسابداری جایگاه تازه‌ای یافته است؛ منظور از راه‌های جایگزین دست‌کاری، مدیریت سود بر پایه ارقام تعهدی و مدیریت سود بر پایه فعالیت‌های واقعی است. برخی از عوامل که بر راه‌های جایگزین مدیریت سود اثرگذار هستند، بدین شمارند، (۱) هزینه‌های نسبی قانون‌گذاری (کوهن و همکاران، ۲۰۰۸؛ کوهن و زاروین، ۲۰۱۰؛ جاگی و همکاران، ۲۰۰۹)، (۲) تقاضا برای علامت‌دهی (کودری و همکاران، ۲۰۱۲؛ ژائو و همکاران، ۲۰۱۲)، (۳) هزینه تأمین مالی از سهام‌داران (کیم و شان، ۲۰۱۳)، (۴) رفتارهای اخلاقی (گراهام و همکاران، ۲۰۰۵؛ ام‌سی‌گوری و همکاران، ۲۰۱۲)، و (۵) مسئولیت‌پذیری اجتماعی شرکت (الیسا، ۲۰۰۲؛ کیم و همکاران، ۲۰۱۲).

پراکندگی جغرافیایی

با وجود آنکه پژوهش‌های بسیاری در این باره انجام شده است، دربارهٔ عناصر جغرافیایی اقتصادی شرکت‌ها پژوهش‌های کمتری انجام شده است. بسیاری از شرکت‌ها عملیات خود را فراتر از ناحیه فعالیت خود توسعه می‌دهند تا از دارایی‌های جغرافیایی هر منطقه از جمله نیروی کار توانا، مرجع مشتری بزرگ‌تر، نزدیکی به منابع طبیعی، معافیت مالیاتی و غیره بهره‌مند شوند. پراکندگی جغرافیایی عبارتند از: در صورتی که شرکت‌ها، کارکردهای اصلی خارج از منطقه داشته باشند.

پراکندگی جغرافیایی در پیوند با ارزش شرکت (کانگ و کیم، ۲۰۰۸؛ گائو و همکاران، ۲۰۰۸)، بازده سهام (گارسیا و نورلی، ۲۰۱۲)، تأمین مالی و مدیریت سیاست‌گذاری شرکت (آلمازون و همکاران، ۲۰۱۰؛ بکر و همکاران، ۲۰۱۱؛ لاندیر و همکاران، ۲۰۰۹) نقش مهمی را ایفا می‌کند. جغرافیای اقتصادی شرکت‌ها بر نابرابری اطلاعاتی، شبکه‌های اجتماعی، شناخت سرمایه‌گذار و دیگر عوامل از این دست اثر می‌گذارد. در سازگاری با این کتاب‌شناسی، و به‌ویژه همراه با راه‌های تبیین شناخت سرمایه‌گذاران (مرتون، ۱۹۸۷؛ گارسیا و نورلی، ۲۰۱۲)، برخی بر این باورند که پراکندگی جغرافیایی بر تصمیمات مدیریتی در پیوند با مدیریت سود اثرگذار است. شرکت‌های پراکنده از لحاظ جغرافیایی مدیریت سود بر پایهٔ فعالیت‌های واقعی را به مدیریت سود بر پایهٔ ارقام تعهدی ترجیح می‌دهند. این نتایج با تعیین شناخت سرمایه‌گذار سازگاری دارند، زیرا سرمایه‌گذارانی که مالک شرکت‌هایی هستند که از نظر جغرافیایی پراکنده‌ترند بسیار گسترده هستند و از این رو، آن‌ها توجه بیشتری از سرمایه‌گذاران، رسانه‌ها، تحلیلگران و نهادهای مالی دریافت می‌کنند. اگر شرکت‌هایی که از لحاظ جغرافیایی در روش مدیریت سود بر پایهٔ ارقام تعهدی درگیر شوند، مانند تغییر روش‌های حسابداری یا تخمین و برآوردها، آن‌ها بیشتر در معرض ناظران خارجی بوده به‌طور بالقوه احتمال بیشتری وجود دارد که به‌وسیله حساب‌رسان و قانون‌گذاران شناسایی شوند. در نتیجه شرکت‌های پراکنده از لحاظ جغرافیایی تمایل دارند تا سطح پایین‌تری از مدیریت سود بر پایهٔ ارقام تعهدی را داشته باشند. از لحاظ مدیریت سود بر پایهٔ فعالیت‌های واقعی، شرکت‌ها میل بالاتری نسبت به دست‌کاری ارقام سود از طریق فعالیت‌های واقعی دارند و شاید به این خاطر است که مدیریت سود بر پایهٔ فعالیت‌های واقعی توجه و موشکافی

کمتری را از سوی حساب‌برسان و قانون‌گذاران نسبت به مدیریت سود تعهدی دریافت می‌کنند. سهم اصلی ما ارائه شواهد مستقیمی است که پراکندگی جغرافیایی شرکت ممکن است برقراری نوعی توازن بین مدیریت سود بر پایه اقلام تعهدی و مدیریت سود بر پایه فعالیت‌های واقعی را تحت تأثیر قرار دهد.

رویچوردی (۲۰۰۶) در پژوهشی با عنوان مدیریت سود از طریق دست‌کاری فعالیت‌های واقعی به این نتیجه رسید که شرکت‌ها برای جلوگیری از گزارش زیان و ارائه حاشیه سود بهتر، از فعالیت‌هایی نظیر ارائه تخفیف‌های قیمتی به منظور افزایش فروش، تولید بیش از اندازه برای کاهش بهای تمام‌شده کالای فروش رفته و کاهش هزینه‌های اختیاری استفاده می‌کنند.

کوهن و همکاران (۲۰۰۸) در پژوهشی به بررسی مدیریت سود از طریق اقلام تعهدی و فعالیت‌های واقعی، قبل و بعد از قانون ساربنز آکسلی (۲۰۰۳) پرداختند. نتایج نشان داد که از سال ۱۹۸۷ تا ۲۰۰۳ مدیریت سود از طریق اقلام تعهدی افزایش داشته ولی بعد از تصویب قانون مذکور روند کاهش داشته است. در مقابل مدیریت سود از طریق فعالیت‌های واقعی، بعد از تصویب قانون افزایش چشم‌گیری داشته است. دلیل افزایش استفاده از مدیریت سود فعالیت‌های واقعی با این که بسیار پرهزینه است سخت‌تر بودن در تشخیص آن است.

گائو و همکاران (۲۰۰۸) در پژوهشی به بررسی اینکه آیا پراکندگی جغرافیایی ارزش شرکت را تحت تأثیر قرار می‌دهد پرداختند. بررسی‌های کلی بیانگر این بود که موقعیت جغرافیایی فعالیت‌های مشارکتی در واقع جزء ضروری سیاست‌های مشارکتی است و پیامدهای ارزیابی بازار مهمی دارد. تضاد منافع، یک تصمیم‌گیرنده مهم در تصمیم‌گیری‌های توسعه جغرافیایی هستند و نیز اینکه پراکنش جغرافیایی به صورت قابل توجهی اثرات منفی دارد. این نتایج همچنین شواهدی دال بر تعامل میان مدیریت مشارکتی و مدیریت سازمانی و تأثیر آن روی ارزش سرمایه‌دار در اختیار ما قرار می‌دهد. پراکنش جغرافیایی مشکلات را تشدید کرده و منجر به افت ارزش بیشتر می‌شود.

گارسیا و نورلی (۲۰۱۲) در پژوهشی با عنوان پراکندگی جغرافیایی و بازده سهام به این نتیجه رسیدند که بازده سهام شرکت‌های داخلی بسیار فراتر از بازده سهام شرکت‌هایی که از لحاظ جغرافیایی پراکنده‌اند، است.

شی و همکاران (۲۰۱۵) در پژوهشی به بررسی چگونگی اثرگذاری پراکندگی جغرافیایی یک شرکت بر گزینش‌های مدیریت سود از میان مدیریت سود بر پایه فعالیت‌های واقعی و مدیریت سود بر پایه ارقام تعهدی پرداختند. نتایج نشان داد شرکت‌های پراکنده از لحاظ جغرافیایی مدیریت سود بر پایه فعالیت‌های واقعی را به مدیریت سود بر پایه ارقام تعهدی ترجیح می‌دهند. این نتایج با تعیین شناخت سرمایه‌گذار سازگاری دارند.

پتیا و مارکو (۲۰۱۶) در تحقیقی به بررسی توانایی تحلیل‌گران اقتصادی در ارائه پیش‌بینی‌های سود دقیق‌تر برای شرکت‌هایی که از لحاظ جغرافیایی پراکنده‌اند، پرداختند. مدیران بیشتر تمایل به نزدیکی کارخانه‌های خود به مقر اصلی شرکت دارند تا کنترل و نظارت مطلوب‌تری بر تولید وجود داشته باشد. نتایج نشان داد که شرکت‌های پراکنده از لحاظ جغرافیایی قابلیت مقایسه کمتر، مدیریت سود اختیاری بیشتر و گستردگی کمتر از رقبای صنعتی در بخش اطلاعات دارند و به احتمال زیاد اطلاعات بخش فروش را سالیانه و هر سه ماه یک‌بار بایگانی و با تأخیر بیان می‌کنند.

بهار مقدم و کوهی (۱۳۸۹) در پژوهشی به بررسی رابطه بین مدیریت سود و سودآوری آتی، کارا یا فرصت‌طلبانه بودن عمل مدیریت سود پرداختند. به‌طور کلی اگر مدیریت در فرایند انتقال اطلاعات خود به ذینفعان برون‌سازمانی در مورد سودآوری آتی شرکت از صلاحدید و قضاوت‌های شخصی استفاده، و سود را غربال کند، مدیریت سود کارا خواهد بود و اگر مدیریت از صلاحدید و قضاوت‌های شخصی در جهت منافع خود استفاده، و سود را تحریف کند، مدیریت سود فرصت‌طلبانه خواهد بود؛ به عبارت دیگر اگر در نتیجه اعمال مدیریت سود، ارزش شرکت افزایش یابد، مدیریت سود، کارا بوده است و در غیر این صورت مدیریت برای افزایش مطلوبیت شخصی خود به مدیریت سود اقدام کرده است. نتایج نشان داد که در بورس اوراق بهادار تهران، مدیریت سود به کارایی گرایش دارد.

انصاری و همکاران (۱۳۸۹) در پژوهشی با عنوان تأثیر دست‌کاری فعالیت‌های واقعی بر مدیریت سود تعهدی پرداختند. نتیجه این پژوهش حاکی از آن است که بین معیارهای دست‌کاری فعالیت‌های واقعی و مدیریت سود تعهدی ارتباط مستقیم و معنی‌دار وجود دارد. به عبارت دیگر، هرچقدر دست‌کاری فعالیت‌های واقعی بیشتر باشد، دست‌کاری ارقام تعهدی نیز در پایان دوره بیشتر خواهد بود.

رحمانی و رامشه (۱۳۹۲) در پژوهشی با عنوان رابطه‌ی جایگزینی میان مدیریت سود مبتنی بر ارقام تعهدی و مدیریت فعالیت‌های واقعی به این نتیجه رسیدند که مدیران بر مبنای هزینه‌های نسبی هریک از این دو روش مدیریت سود را بر اساس یک رابطه‌ی جایگزینی مورد استفاده قرار می‌دهند. به علاوه، مدیران بر اساس سطح مدیریت فعالیت‌های واقعی انجام شده طی سال، سطح مدیریت سود مبتنی بر ارقام تعهدی را تعدیل می‌کنند.

حیدرپور و طاهرووردی (۱۳۹۳) در پژوهشی به بررسی رابطه بین مدیریت سود و کیفیت سود، حاکمیت شرکتی و کیفیت سود، مدیریت سود و حاکمیت شرکتی و کیفیت سود با حضور متغیرهای کنترل پرداختند. نتایج نشان داد که عامل کیفیت تعهدات، صرف ریسک با اهمیتی در شرکت‌های پذیرفته در بورس اوراق بهادار تهران ایجاد نمی‌کند و بنابراین در این بازار، عامل ریسک تعیین‌کننده قیمت نبوده و تغییر پذیری بازده‌های آتی را تبیین نمی‌کند. همچنین مدیریت سود و حاکمیت شرکتی بر کیفیت سود تأثیر گذار هستند.

مشایخی و حسین پور (۱۳۹۵) در پژوهشی با عنوان بررسی رابطه بین مدیریت سود واقعی و مدیریت سود تعهدی در شرکت‌های مشکوک به تقلب بورس اوراق بهادار تهران پرداختند. نتایج نشان داد که مدیریت سود واقعی بر مدیریت سود تعهدی در شرکت‌های بورسی مشکوک به تقلب، در سطح اطمینان ۹۵ درصد، تأثیر منفی و معنی‌داری دارد.

با در نظر گرفتن مبانی نظری، پژوهش‌های گذشته و نتایج آن‌ها، می‌توان فرضیه‌های این پژوهش را به شرح زیر تدوین کرد:

فرضیه یکم: شرکت‌هایی که از نگاه جغرافیایی پراکنده‌اند، سطح پایین‌تری از مدیریت سود بر پایه ارقام تعهدی در همسنجی با شرکت‌های دیگر دارند.

فرضیه دوم: شرکت‌هایی که از نگاه جغرافیایی پراکنده‌اند، سطح بالاتری از مدیریت سود بر پایه فعالیت‌های واقعی در همسنجی با شرکت‌های دیگر دارند.

روش پژوهش

جامعه و نمونه‌ی آماری

جامعه آماری این پژوهش شرکت‌های پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران در بازه زمانی سال‌های ۱۳۸۶ تا پایان ۱۳۹۴ است. در این پژوهش برای نمونه‌گیری از روش حذف سامانمند استفاده شده است.

۱. از شرکت‌های مالی (شامل سرمایه‌گذاری، واسطه‌گری مالی، خدماتی، و لیزینگ) نباشند.
 ۲. به لحاظ افزایش قابلیت مقایسه، سال مالی آن‌ها منتهی به پایان اسفندماه باشد و در بازه زمانی پژوهش تغییر سال مالی نداشته باشند.
 ۳. سهام آن‌ها بیش از شش ماه توقف معامله نداشته باشد.
 ۴. کلیه اطلاعات موردنیاز آن‌ها در دسترس باشد.
- پس از بررسی شرکت‌ها با توجه به ویژگی‌های مذکور، تعداد ۱۰۵ شرکت به عنوان نمونه مورد مطالعه این پژوهش انتخاب شد.

روش و ابزار گردآوری، آماده‌سازی و تحلیل داده‌ها

در این پژوهش در حوزه کاری تدوین مبانی نظری و مروری بر پژوهش‌های پیشین از روش کتابخانه‌ای استفاده خواهد شد. با مراجعه به کتابخانه‌ها و جستجو در کتاب‌ها، نشریه‌ها، مجله‌ها و وبگاه‌ها از طریق برگه‌یادداشت اطلاعات موردنیاز جمع‌آوری می‌شود. در حوزه کاری گردآوری داده‌ها برای سنجش متغیرها از روش اسنادکاوی استفاده خواهد شد. برای این کار از صورت‌های مالی شرکت‌های پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران و نرم‌افزار ره‌آورد نوین و اکسل اطلاعات موردنیاز استخراج می‌شود. در حوزه کاری آزمون فرضیه‌ها از روش رگرسیون خطی چندمتغیره و برای این کار از نرم‌افزار ای‌ویوز استفاده خواهد شد. در این پژوهش از تحلیل رگرسیون با استفاده از داده‌های ترکیبی، برای آزمون فرضیه استفاده می‌شود.

آزمون فرضیه‌ها

فرضیه اول این پژوهش با کاربری مدل (۴) آزمون می‌شود:

$$ABSDA = \beta_0 + \beta_1 GD + \beta_2 RM + \sum_{j=1}^{10} \beta_j Control + u \quad \text{مدل (۴)}$$

ABSDA: اقلام تعهدی اختیاری

GD: پراکنندگی جغرافیایی، اگر شرکتی دارای شعبه و بخش باشد برابر یک است در غیر این صورت صفر.

RM: مدیریت سود واقعی

Control: متغیرهای کنترل

اگر ضریب β_1 بر پایه آزمون تی استیودنت منفی و معنادار باشد، این فرضیه پذیرفته می‌شود.

فرضیه دوم این پژوهش با کاربری مدل (۵) آزمون می‌شود:

$$RM = \beta_0 + \beta_1 GD + \sum_{j=1}^{10} \beta_j Control + u \quad \text{مدل (۵)}$$

اگر ضریب β_1 بر پایه آزمون تی استیودنت مثبت و معنادار باشد، این فرضیه پذیرفته می‌شود.

تبیین و اندازه‌گیری متغیرهای پژوهش

متغیرهای این پژوهش شامل متغیرهای وابسته، مستقل و کنترل است که در ادامه به توصیف آن‌ها می‌پردازیم.

متغیرهای وابسته

متغیرهای وابسته در این پژوهش شامل مدیریت سود تعهدی و مدیریت سود واقعی است که به شرح ادامه سنجیده می‌شوند:

مدیریت سود تعهدی: به منظور سنجش این متغیر از مدل (۱) که همان مدل تعدیل شده جونز (۱۹۹۱) است استفاده می‌شود:

مدل (۱)

$$\frac{TA_{it}}{A_{it-1}} = \alpha_1 (1/A_{it-1}) + \alpha_2 (\Delta REV_{it}/A_{it-1}) + \alpha_3 (TFA_{it}/A_{it-1}) + \varepsilon_{it}$$

که در آن:

TA_{it} : کل اقلام تعهدی شرکت i در سال t (تفاوت بین سود عملیاتی و جریان‌های نقد عملیاتی).

A_{it-1} : دارایی‌های شرکت i در سال $t-1$.

ΔREV_{it} : تغییر در فروش خالص و درآمد ارائه خدمات شرکت i در سال t .

TFA_{it} : دارایی‌های ثابت مشهود (ناخالص) شرکت i در سال t .

ε_{it} : جزء خطا برای شرکت i در سال t .

قدر مطلق پسماند این مدل بیانگر اقلام تعهدی اختیاری یا مدیریت سود تعهدی است.

مدیریت سود واقعی: برای سنجش این متغیر دو معیار دست‌کاری فعالیت‌های واقعی به شرح رابطه (۱) باهم جمع می‌شود. این دو معیار عبارتند از: (۱) بهایان غیرعادی تولید، و (۲) هزینه‌های غیرعادی اختیاری.

$$RM = ABPROD + ABEXP \quad \text{رابطه (۱)}$$

که در آن:

RM : مدیریت سود واقعی.

$ABPROD$: بهایان غیرعادی تولید.

$ABEXP$: هزینه‌های غیرعادی اختیاری.

به منظور سنجش بهایان غیرعادی تولید از پسماند مدل (۲) استفاده می‌شود:

مدل (۲)

$$\begin{aligned} PROD_t/A_{t-1} &= \alpha_0 + \alpha_1 (1/A_{t-1}) + \alpha_2 (S_t/A_{t-1}) \\ &+ \alpha_3 (\Delta S_t/A_{t-1}) + \alpha_4 (S_{t-1}/A_{t-1}) + \varepsilon_t \end{aligned}$$

که در آن:

$PROD_t$: بهای تمام‌شده کالای فروش رفته به‌علاوه موجودی کالای ساخته‌شده آخر دوره منهای موجودی کالای ساخته‌شده اول دوره.

A_{t-1} : دارایی‌های شرکت i در سال $t-1$.

S_t : فروش خالص و درآمد ارائه خدمات شرکت i در سال t .

ΔS_t : تغییر در فروش خالص و درآمد ارائه خدمات شرکت i در سال t .

به‌منظور سنجش هزینه‌های غیرعادی اختیاری از پسماند مدل (۳) استفاده می‌شود:

$$DISEXP_t/A_{t-1} = \alpha_0 + \alpha_1 (1/A_{t-1}) + \alpha_2 (S_t/A_{t-1}) + \varepsilon_t \quad \text{مدل (۳)}$$

که در آن:

$DISEXP_t$: هزینه‌های تحقیق و توسعه، هزینه‌های تبلیغات، و هزینه‌های عمومی و فروش

سال t .

A_{t-1} : دارایی‌های شرکت i در سال $t-1$.

S_t : فروش خالص و درآمد ارائه خدمات شرکت i در سال t .

متغیر مستقل

متغیر مستقل این پژوهش پراکندگی جغرافیایی شرکت است. فرض بر این است که اگر شرکتی دارای شعبه و بخش باشد دارای پراکندگی است.

متغیرهای کنترل

متغیرهای کنترل این پژوهش به شرح زیر است:

- اندازه شرکت: لگاریتم طبیعی جمع دارایی‌ها
- فرصت رشد: برابر است با تغییر در فروش خالص و درآمد ارائه خدمات سال جاری تقسیم بر فروش خالص و درآمد ارائه خدمات سال قبل.

- نسبت ارزش بازار به ارزش دفتری سهام عادی
- بازده دارایی‌ها تعدیل شده به واسطه صنعت: در گام نخست بازده دارایی‌های هر شرکت از طریق تقسیم سود عملیاتی به متوسط دارایی‌ها حساب می‌شود؛ آنگاه در هر صنعت این بازده‌ها به ترتیب صعودی یا نزولی مرتب می‌شود و میانه آن‌ها را انتخاب و بازده هر شرکت بر میانه تقسیم می‌شود و از عدد یک کم می‌شود. اگر حاصل کار صفر باشد، بدین معناست که بازده شرکت با میانه صنعت برابر است؛ اگر مثبت باشد، بازده شرکت از میانه صنعت کمتر است و در نهایت اگر منفی باشد، بازده شرکت از میانه صنعت بیشتر است.
- اهرم مالی: برابر است با بدهی‌ها تقسیم بر دارایی‌ها.
- سن شرکت: از طریق بازده زمانی بین زمان تأسیس شرکت تا سال مورد نظر.
- دارایی خالص عملیاتی: دارایی‌های خالص عملیاتی مساوی است با دارایی‌های عملیاتی منهای بدهی‌های عملیاتی؛ دارایی‌های عملیاتی مساوی است با دارایی‌ها منهای وجوه نقد و سرمایه‌گذاری‌های کوتاه‌مدت و سرمایه‌گذاری‌های بلندمدت (به جز سرمایه‌گذاری‌هایی که روش حسابداری آن‌ها روش حقوق مالی باشد)؛ بدهی‌های عملیاتی مساوی بدهی‌ها منهای تسهیلات مالی دریافتی کوتاه‌مدت و بلندمدت.
- چرخه عملیات: مجموع متوسط دوره وصول حساب‌ها و اسناد دریافتی تجاری و متوسط دوره فروش موجودی‌های مواد و کالا.
- اندازه مؤسسه حسابرسی: چنانچه حسابرس شرکت سازمان حسابرسی و مؤسسه مفید راهبر باشد، از نگاه اندازه، بزرگ به شمار می‌آید.
- طول دوره‌ی تصدی حسابرس: اگر دوره تصدی حسابرس شرکت از میانه دوره تصدی حسابرسان شرکت‌های عضو نمونه بیشتر باشد، این دوره طولانی به شمار می‌آید.

یافته‌های پژوهش

تجزیه و تحلیل توصیفی داده‌ها

در ابتدا آماره‌های توصیفی داده‌های تحت مطالعه محاسبه می‌گردد. نگاره (۱) آمار توصیفی متغیرهای مدل را نشان می‌دهد که شامل اطلاعات مربوط به میانگین، میانه، بیشینه و کمینه، چولگی و کشیدگی و... است.

اصلی‌ترین شاخص مرکزی، میانگین است که نشان‌دهنده نقطه تعادل و مرکز ثقل توزیع است و شاخص خوبی برای نشان دادن مرکزیت داده‌هاست. برای مثال مقدار میانگین برای متغیر ارقام تعهدی اختیاری برابر با ۰/۱۵۲ می‌باشد که نشان می‌دهد بیشتر داده‌ها حول این نقطه تمرکز یافته‌اند. میانه یکی دیگر از شاخص‌های مرکزی می‌باشد که وضعیت جامعه را نشان می‌دهد. همانطور که مشاهده می‌شود میانه این متغیر ۰/۰۹۹ می‌باشد که نشان می‌دهد که نیمی از داده‌ها کمتر از این مقدار و نیمی دیگر بیشتر از این مقدار هستند. به طور کلی پارامترهای پراکندگی، معیاری برای تعیین میزان پراکندگی از یکدیگر یا میزان پراکندگی آن‌ها نسبت به میانگین است. از مهم‌ترین پارامترهای پراکندگی، انحراف معیار است. در بین متغیرها، ارقام تعهدی اختیاری کمترین و فروش خالص و درآمد ارائه خدمات بیشترین میزان پراکندگی را دارا می‌باشند. که نشان می‌دهد این دو متغیر به ترتیب کمترین و بیشترین میزان تغییرات را دارا می‌باشند.

تکانه (۱): آمار توصیفی متغیرهای پژوهش

نام متغیر	نماد	میانگین	میانه	بیشینه	کمینه	انحراف معیار	چولگی	کشدگی
اقلام تعهدی اختیاری	ABSDA	۰/۱۵۲	۰/۰۹۹	۲/۸۲۴	۰/۰۰۰۰۶	۰/۲۰۵	۶/۳۲۳	۶۵/۶۰۴
دارایی‌های شرکت (میلیون ریال)	A _{t-1}	۳۱۴۱۴۴۰	۷۳۲۰۹۹/۵	۱۰۳۴۴۵۵۲۶	۶۴۲۶	۱۰۴۰۰۴۵۹	۶/۸۳۸	۵۴/۳۳۰
هزینه‌های تحقیق و توسعه، تبلیغات، و هزینه‌های عمومی و فروش	DISEXP	۱۸۲۶۵۹/۷	۳۵۷۸۶	۱۰۳۱۱۲۵۶	۰	۰	۸/۹۳۵۳۱۸۷۰۰۳۹۱/۵	۹۸/۳۰۷۵
پراکندگی جغرافیایی	GD	۰/۲۸۶	۰	۱	۰	۰/۴۵۲	۰/۹۴۲	۱/۸۸۷
فروش خالص و درآمد ارائه خدمات	DS	۲۳۸۲۲۹/۶	۰	۱۷۰۵۶۲۷۴۶۴	-۸۲۶۴۳۹۴۶۱۷	۳۶۸۷۱۶۶۸	-۴/۴۳۹۱۱	۴۲۲/۳۷۷۳
بهایان غیرعادی تولید	PROD	۲۹۷۹۳۰۹	۳۸۶۲۴۴/۵	۸۷۸۳۳۷۲۲	-۱۹۹۰۱۰۹	۳۰۱۵۴۲۷۱	۲۶/۸۳۴۶۷۳	۷۷۴/۱۹۵۶
مدیریت سود واقعی	RM	۰/۰۰۰۰۴	-۰/۰۱۲	۱۵/۱۳۳	-۷/۲۹۴	۰/۹۰۹	۴/۵۳۴	۹۷/۸۸۴
تغییر در فروش خالص و درآمد ارائه خدمات	S	۳۸۴۷۵۱۷	۶۰۲۲۰/۵	۸۳۲۳۳۱۲۵	-۳۳۸۰۱۱۴	۳۰۲۷۳۵۷۲	۲۳/۱۰۴	۶۱۵/۲۳۴
کل اقلام تعهدی	TA	۴۰۷۰۴/۸۸	۷۱۵۳/۵	۳۳۲۱۳۳۰۸	-۱۲۹۶۷۹۹۰	۱۴۴۳۰۴۴	۱۲/۰۴۷	۳۱۸/۴۰۵
دارایی‌های ثابت مشهود ((میلیون ریال	TFA	۶۹۳۵۲۹	۱۵۲۰۶۱/۵	۴۰۹۰۵۶۷۸	۸۳/۵۴۶	۲۲۷۰۲۸۴	۹/۲۵۱۶	۱۲۶/۲۱۱
اندازه شرکت	X1	۱۳/۷۳۰	۱۳/۵۹۳	۱۸/۷۳۹	۸/۷۶۸	۱/۴۱۹	۰/۶۵۱	۳/۸۳۹
فرصت رشد	X2	۲/۳۷۷	۰	۹۷۹/۵۴۳	-۱۵/۳۷۷	۴۳/۴۳۵	۲۱/۲۵۳	۴۵۶/۹۸۹
نسبت ارزش بازار به ارزش دفتری	X3	۸/۷۸۵	۱/۴۶۴	۵۴۹۷/۹۵۶	-۲۰۶/۹۵۳	۱۸۳/۸۲۱	۲۹/۰۹۱	۸۶۶/۶۲۵
بازده دارایی‌های تعدیل شده	X4	-۰/۰۱۸	۰/۵۱۰	۲/۹۵۴	-۳۵۲/۸۶۸	۱۱/۶۷۱	-۳۰/۰۸۷	۹۱۰/۱۱۹
اهرم مالی	X5	۰/۸۲۲	۰/۶۹۵	۱۰/۵۸۷	۰/۰۰۰۶	۰/۸۰۴	۷/۷۶۹	۷۶/۵۲۵
سن شرکت	X6	۳۹/۹۸۴	۴۲	۶۳	۱۵	۱۰/۴۱۵	-۰/۳۵۷	۲/۳۰۹
دارایی‌های خالص عملیاتی	X7	۲۰۹۰۱۴۳	۴۱۹۲۷۵	۱۴۷۷۷۶۷۲	-۱۲۷۹۹۹۹۶	۸۷۳۳۶۰۰	۱۰/۷۴۸۸۲	۱۴۶/۷۴۰۴
چرخه عملیات	X8	۲۶۳۶/۱۲۶	۱۲۷۰/۴۰۶	۱۰۲۱۵۰/۱	-۶۲۵/۷۲۲	۷۱۶۳/۵۵	۹/۹۶۳	۱۱۷/۲۶۰
اندازه موسسه حسابداری	X9	۰/۲۷۶	۰	۱	۰	۰/۴۴۷	۱/۰۰۱	۲/۰۰۳
طول دوره تعهدی حسابداری	X10	۲/۷۳۰	۲	۹	۱	۱/۸۴۱	۱/۳۸۲	۴/۷۶۳

تجزیه و تحلیل استنباطی داده ها

داده‌های این پژوهش از نوع ترکیبی است. اما قبل از تخمین مدل‌ها لازم است روش تخمین (تلفیقی یا تابلویی) مشخص شود. برای این منظور از آزمون اف لیمر استفاده شده است.

برای مشاهداتی که احتمال آزمون آن‌ها بیشتر از ۰/۰۵ است از روش تلفیقی و برای مشاهداتی که احتمال آزمون آن‌ها کمتر از ۰/۰۵ است برای تخمین مدل از روش تابلویی استفاده می‌شود. روش تابلویی خود با استفاده از دو مدل اثرهای تصادفی و اثرهای ثابت انجام می‌گیرد. برای تعیین اینکه از کدام مدل استفاده شود از آزمون هاسمن استفاده گردیده است. مشاهداتی که احتمال آزمون آن‌ها کمتر از ۰/۰۵ است از مدل اثرهای ثابت و مشاهداتی که احتمال آزمون آن‌ها بیشتر از ۰/۰۵ است از مدل اثرهای تصادفی برای تخمین مدل استفاده شده است. احتمال اف لیمر برای هر دو مدل برابر صفر و کمتر از ۰/۰۵ می‌باشد، در نتیجه روش داده‌های تابلویی استفاده می‌شود. با توجه به مقدار احتمال آزمون هاسمن در مدل چهارم برابر و بیشتر از ۰/۰۵ است، در نتیجه روش اثرات تصادفی استفاده می‌شود و مقدار احتمال آزمون هاسمن برای مدل پنجم کمتر از ۰/۰۵ است، در نتیجه روش اثرهای ثابت استفاده می‌شود. معمولاً در صورتی که آماره دوربین واتسن بین ۱/۵ تا ۲/۵ باشد، به معنی نبود خودهمبستگی است. مقدار آماره دوربین واتسون در مدل چهارم برابر ۱/۸۸ و در مدل پنجم برابر ۱/۹۳ می‌باشد، مشخص شد که مدل‌ها دارای خود همبستگی نمی‌باشد. در این مدل‌ها نشان می‌دهد که مشکل ناهمسانی واریانس باقیمانده‌ها وجود دارد، به همین دلیل به منظور برآورد مدل و رفع مشکل ناهمسانی واریانس از حداقل مربعات تعمیم یافته استفاده شده است.

آزمون فرضیات پژوهش

فرضیه اول: فرضیه اول بیان می‌کند که شرکت‌هایی که از نگاه جغرافیایی پراکنده‌اند، سطح پایین تری از مدیریت سود بر پایه اقلام تعهدی در همسنجی با شرکت‌های دیگر دارند.

$$ABSDA = \beta_0 + \beta_1 GD + \beta_2 RM + \sum_{j=1}^{10} \beta_j Control + u$$

نگاره (۲): نتایج تجزیه و تحلیل داده‌ها جهت آزمون مدل فرضیه اول

نام متغیر	نماد	ضریب برآوردی	خطای استاندارد	آماره تی	احتمال
پراکندگی جغرافیایی	GD	-۰/۰۰۷	۰/۰۱۳	-۰/۵۳۱	۰/۰۹۵
اندازه شرکت	X1	-۰/۰۰۷	۰/۰۰۹	-۰/۸۶۰	۰/۳۹۰
فرصت رشد	X2	۰/۰۰۰۲	$۴/۶۴ \times 10^{-۶}$	۵۲/۷۶۱	۰/۰۰۰
نسبت ارزش بازار به ارزش دفتری	X3	$۵/۷۹ \times 10^{-۶}$	$۱/۵۹ \times 10^{-۶}$	۳/۶۴۰	۰/۰۰۰
بازده دارایی‌های تعدیل شده	X4	-۰/۰۰۰۲	$۴/۵۲ \times 10^{-۵}$	-۶/۴۰۵	۰/۰۰۰
اهرم مالی	X5	۰/۱۲۵	۰/۰۱۵	۰/۰۵۹	۰/۰۰۰
سن شرکت	X6	۰/۰۰۴	۰/۰۰۱	۲/۷۴۴	۰/۰۰۶
دارایی‌های خالص عملیاتی	X7	$-۱/۳۸ \times 10^{-۱}$	$۴/۱۰ \times 10^{-۱}$	-۰/۳۳۷	۰/۷۳۶
چرخه عملیات	X8	$۱/۲۰ \times 10^{-۶}$	$۴/۵۶ \times 10^{-۷}$	۲/۶۲۸	۰/۰۰۸
اندازه موسسه حسابداری	X9	۰/۰۱۱	۰/۰۱۲	۰/۸۷۲	۰/۳۸۳
طول دوره تعهدی حسابداری	X10	-۰/۰۰۲	۰/۰۰۱	-۱/۱۵۱	۰/۲۵۰
عرض از مبدا	C	-۰/۰۴۱	۰/۰۸۶	۰/۴۷۵	۰/۶۳۵
ضریب تعیین			۰/۴۹۹		
ضریب تعیین تعدیل شده			۰/۴۲۸		
آماره اف			۷/۰۷۴		
احتمال			۰/۰۰۰		

با توجه به نتایج نگاره (۲) ضریب متغیر پراکندگی جغرافیایی $-۰/۰۰۷$ است، که نشان دهنده تأثیر منفی پراکندگی جغرافیایی شرکت‌ها بر مدیریت سود بر پایه ارقام تعهدی است؛ به عبارت دیگر با افزایش پراکندگی جغرافیایی شرکت‌ها سطح پایین‌تری از مدیریت سود بر پایه ارقام تعهدی در همسنگی با شرکت‌های دیگر دارند. با توجه به احتمال آماره تی استیودنت $۰/۰۹۵$ است ضریب متغیر پراکندگی جغرافیایی شرکت‌ها بیشتر از $۰/۰۵$ و معنی دار نیست. با توجه به موارد فوق می‌توان فرضیه دوم پژوهش را در فاصله اطمینان ۹۵ درصد رد شده تلقی نمود. این امر به این معنی است که بین پراکندگی جغرافیایی شرکت‌ها و مدیریت سود بر پایه ارقام تعهدی رابطه منفی وجود دارد ولی معنادار نیست. با توجه به مقدار

احتمال به دست آمده برای آماره اف که برابر با صفر است و سطح خطا زیر ۰/۰۵ است، نشان می‌دهد که تمامی ضریب رگرسیون به طور همزمان صفر نیستند، بنابراین به طور همزمان بین تمامی متغیرهای مستقل با متغیر وابسته رابطه معناداری وجود دارد.

فرضیه دوم: فرضیه دوم بیان می‌کند که شرکت‌هایی که از نگاه جغرافیایی پراکنده‌اند، سطح بالاتری از مدیریت سود بر پایه فعالیت‌های واقعی در همسنجی با شرکت‌های دیگر دارند.

$$RM = \beta_0 + \beta_1 GD + \sum_{j=1}^{10} \beta_j Control + u$$

تکراه (۳): نتایج تجزیه و تحلیل داده‌ها جهت آزمون مدل فرضیه دوم

احتمال	آماره تی	خطای استاندارد	ضریب برآوردی	نماد	نام متغیر
۰/۰۰۰	-۴/۶۷۵	۰/۰۹۰	-۰/۴۲۲	GD	پراکندگی جغرافیایی
۰/۰۰۰	-۶/۷۲۱	۰/۰۱۶	-۰/۱۰۷	X1	اندازه شرکت
۰/۲۱۰	-۱/۲۵۴	۰/۰۰۰۴	-۰/۰۰۰۵	X2	فرصت رشد
۰/۰۰۰	-۹/۳۳۸	۱/۴۲×۵-۱۰	-۰/۰۰۰۱	X3	نسبت ارزش بازار به ارزش دفتری
۰/۳۲۵	۰/۹۸۵	۰/۰۰۰۲	۰/۰۰۰۲	X4	بازده دارایی‌های تعدیل شده
۰/۰۰۰	۵/۲۸۴	۰/۰۱۸	۰/۰۹۵	X5	اهرم مالی
۰/۲۷۲	-۱/۱۰۰	۰/۰۱۶	-۰/۰۱۸	X6	سن شرکت
۰/۰۰۰	۱۰/۲۴۲	۱/۸۴×۹-۱۰	۱/۸۹×۸-۱۰	X7	دارایی‌های خالص عملیاتی
۰/۱۱۶	۱/۵۷۴	۷/۴۰×۶-۱۰	۱/۱۶×۵-۱۰	X8	چرخه عملیات
۰/۹۷۲	-۰/۰۳۵	۰/۰۴۴	-۰/۰۰۱	X9	اندازه موسسه حسابداری
۰/۷۸۳	-۰/۲۷۵	۰/۰۰۸	-۰/۰۰۲	X10	طول دوره تعهدی حسابداری
۰/۰۰۱	۳/۲۹۰	۰/۶۶۴	۲/۱۸۴	C	عرض از مبدا
		۰/۴۷۵			ضریب تعیین
		۰/۴۰۲			ضریب تعیین تعدیل شده
		۶/۴۴۱			آماره اف
		۰/۰۰۰			احتمال

با توجه به نتایج نگاره (۳) ضریب متغیر پراکندگی جغرافیایی ۰/۴۲۲- است، که نشان دهنده تأثیر منفی پراکندگی جغرافیایی شرکت‌ها بر مدیریت سود بر پایه فعالیت‌های واقعی است؛ به عبارت دیگر با افزایش پراکندگی جغرافیایی شرکت‌ها سطح پایین تری از مدیریت سود بر پایه فعالیت‌های واقعی در همسنگی با شرکت‌های دیگر دارند. با توجه به احتمال آماره تی استیودنت ۰/۰۰۰ است ضریب متغیر پراکندگی جغرافیایی شرکت‌ها کمتر از ۰/۰۵ و معنی دار است. با توجه به موارد فوق می‌توان فرضیه دوم پژوهش را در فاصله اطمینان ۹۵ درصد رد شده تلقی نمود. این امر به این معنی است که بین پراکندگی جغرافیایی شرکت‌ها و مدیریت سود بر پایه فعالیت‌های واقعی رابطه منفی و معناداری وجود دارد. با توجه به مقدار احتمال به دست آمده برای آماره اف که برابر با صفر است و سطح خطا زیر ۰/۰۵ است، این نشان می‌دهد که تمامی ضرایب رگرسیون به طور همزمان صفر نیستند، بنابراین به طور همزمان بین تمامی متغیرهای مستقل با متغیر وابسته رابطه معناداری وجود دارد.

پیشنهادهای کاربردی بر پایه یافته‌های پژوهش

۱. با توجه به نتایج بدست آمده از آزمون فرضیه اول که نشان داد شرکت‌های با پراکندگی جغرافیایی در همسنگی با سایر شرکت‌ها، سطح پایین تری از مدیریت سود بر پایه ارقام تعهدی را دارند به سرمایه‌گذاران پیشنهاد می‌شود به هنگام اخذ تصمیمات سرمایه‌گذاری در سهام شرکت‌های با پراکندگی جغرافیایی به میزان قوانین و فعالیت‌های نظارتی حساب‌رسان و نقشی که این عوامل در کاهش تمایل مدیران به مدیریت سود بر پایه ارقام تعهدی در این گونه شرکت‌ها دارد، توجه کافی داشته باشند و سپس تصمیم مناسبی راجع به سرمایه‌گذاری در سهام این شرکت‌ها بگیرند.

۲. با توجه به نتایج بدست آمده از آزمون فرضیه دوم که نشان داد شرکت‌های با پراکندگی جغرافیایی در هم‌سنگی با سایر شرکت‌ها سطح پایین تری از مدیریت سود بر پایه فعالیت‌های واقعی را دارند به حساب‌رسان و قانون‌گذاران پیشنهاد می‌شود که با توجه به اعمال نظارت بیشتری که بر روی مدیریت سود بر پایه ارقام تعهدی و اعمال نظارت کمتری که بر مدیریت سود بر اساس فعالیت‌های واقعی دارند؛ زمینه‌های گسترش اعمال فعالیت‌های نظارتی و ایجاد قوانین نظارتی را هم برای مدیریت سود بر اساس فعالیت‌های

واقعی که ایجاد زیان‌هایی را در نتیجه‌ی فعالیت‌های واقعی محتمل می‌کند و همچنین ایجادکننده‌ی هزینه‌های اقتصادی واقعی برای شرکت است را ایجاد کنند تا سرمایه‌گذاران به هنگام سرمایه‌گذاری در سهام شرکت‌های با پراکندگی جغرافیایی تصمیمات صحیح‌تری را اتخاذ کنند و بازدهی مطلوبی را در اثر سرمایه‌گذاری در شرکتی که در آن راه‌های مدیریت سود بر اساس فعالیت‌های واقعی در نتیجه‌ی آن قوانین محدود شده را بدست آورند.

پیشنادهایی برای پژوهش‌های آینده

۱. پیشنهاد می‌شود تحقیق حاضر در مورد صنایع مختلف به تفکیک صنعت خاص انجام پذیرد.
۲. تغییر روش‌های آماری و آزمون‌های به‌کاربرده شده جهت آزمون فرضیات تحقیق و همچنین طولانی‌تر کردن دوره زمانی تحقیق نیز می‌تواند در دستیابی به نتایج بهتر مناسب باشد.
۳. بررسی مقایسه‌ای تأثیر پراکندگی جغرافیایی بر انتخاب نوع مدیریت سود بر پایه‌ی اقلام تعهدی و مدیریت سود بر پایه‌ی فعالیت‌های واقعی در شرکت‌های تولیدی و خدماتی.
۴. بررسی مقایسه‌ای موضوع تحقیق حاضر در نمونه‌های تفکیک‌شده بر اساس اندازه شرکت‌های پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران به دو گروه بزرگ و کوچک.

نتیجه‌گیری

در این پژوهش به بررسی تأثیر پراکندگی جغرافیایی بر مدیریت سود بر پایه‌ی اقلام تعهدی و مدیریت سود بر پایه‌ی فعالیت‌های واقعی پرداخته شد. پراکندگی جغرافیایی به عنوان عاملی اثرگذار در تصمیمات مدیران به منظور مدیریت سود است و در پیوند با ارزش شرکت، بازده سهام، مدیریت سیاست‌گذاری شرکت نقش مهمی را ایفا می‌کند. پراکندگی جغرافیایی شرکت‌ها به عنوان عاملی در انتخاب نوع مدیریت سود بر اساس اقلام تعهدی و مدیریت سود بر مبنای فعالیت‌های واقعی تأثیرگذار است. این تأثیرگذاری در فرضیه‌های پژوهش مورد بررسی قرار گرفت و نشان داد شرکت‌های با پراکندگی جغرافیایی به دلیل بالا

بودن نظارت‌ها و قوانین محدود کننده برای دست کاری اقلام تعهدی، تمایل به سطح پایین تری از مدیریت سود بر پایه‌ی اقلام تعهدی دارند و همچنین این شرکت‌ها به دلیل انجام مدیریت سود بر اساس فعالیت‌های واقعی در طی دوره و احتمال کم تر بودن توجه قانون گذاران و حسابرسان بر این نوع مدیریت سود، تمایل بیشتری به دست کاری ارقام سود از طریق فعالیت‌های واقعی دارند.

منابع

- انصاری، عبدالمهدی، مصطفی دری سده، و مسعود نرگسی. (۱۳۸۹). بررسی تأثیر دستکاری فعالیت‌های واقعی بر مدیریت سود تعهدی در شرکت‌های پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران. پایان‌نامه دانشجوی کارشناسی ارشد، دانشگاه ولی عصر (عج) رفسنجان.
- بهار مقدم، مهدی، و علی کوهی. (۱۳۸۹). بررسی نوع مدیریت سود در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران. مجله دانش حسابداری. ۱ (۲): ۷۵-۹۳.
- حیدر پور، فرزانه و مجید طاهرووردی. (۱۳۹۳). تأثیر مدیریت سود بر رابطه حاکمیت شرکتی و کیفیت سود. پایان‌نامه دانشجوی کارشناسی ارشد، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد تهران مرکزی.
- خیراللهی، فرشید، اسحاق بهشور، فرزاد ایوانی. (۱۳۹۳). مدیریت سود واقعی، حاکمیت شرکت نگهداشت وجه نقد، فصلنامه مطالعات تجربی حسابداری مالی، ۱۱ (۴۴): ۱۴۵-۱۶۱.
- رحمانی، علی، و منیژه رامشه. (۱۳۹۲). رابطه جایگزینی میان مدیریت سود مبتنی بر اقلام تعهدی و مدیریت فعالیت‌های واقعی. فصلنامه بررسی‌های حسابداری و حسابرسی. ۲۰ (۴): ۳۹-۶۰.
- علی آبادی، اکبر، و یدالله نوری فرد. (۱۳۸۸). بازی اقلام تعهدی. مجله حسابداری. (۲۱۲): ۷۸-۸۱.
- مشایخی، بیتا و امیر حسین حسین پور. (۱۳۹۵). بررسی رابطه بین مدیریت سود واقعی و مدیریت سود تعهدی در شرکت‌های مشکوک به تقلب بورس اوراق بهادار تهران. فصلنامه علمی پژوهشی مطالعات تجربی حسابداری مالی. ۱۲ (۴۹): ۲۹-۵۲.
- مهرانی، ساسان، قربان اسکندری، و حمیدرضا گنجی. (۱۳۹۳). رابطه بین کیفیت سود، هموارسازی سود و ریسک سهام. فصلنامه مطالعات تجربی حسابداری مالی. ۱۱ (۴۲): ۱۱۷-۱۳۹.
- Ali Abadi, A. & Nourifard, Y. (2009). Game of accruals. Journal of Accounting. (212): 78-81. (in Persian)
- Almazan, A. , Motta, A. D. , Titman, S. , Uysal, V. (2010). Financial structure, acquisition opportunities, and firm locations. Journal of Finance. 65 (2): 529-563.
- Ansari, A. M. , Dari Sade, M. & Nargesi, M. (2010). Investigating the effect of real activities manipulation on accruals management in

- companies listed in Tehran Stock Exchange. M. A. Thesis, ValiAsr University of Rafsanjan. (in Persian)
- Bahar Moghaddam, M. & Koochi, A. (2010). Investigating the type of earnings management in companies listed in Tehran Stock Exchange. *Journal of Accounting Knowledge*. 1 (2): 75-93. (in Persian)
- Becker, B. , Ivkovic, Z. , Weisbenner, S. (2011). Local dividend clientele. *Journal of Finance*. 66 (2): 655–683.
- Cohen, D. , A, Day, and T, Lys. (2008). “Real and Accrual Based Earnings Management in the Pre and Post Sarbanes Oxley Periods. *The Accounting Review*. 83: 757-787.
- Cohen, D. A. , Zarowin, P. (2010). Accrual-based and real earnings management activities around seasoned equity offerings. *Journal of Accounting and Economics*. 50 (1): 2–19.
- Dechow, P. M. and Skinner, D. J. (2000) Earnings management: Reconciling the views of accounting academics, practitioners, and regulators. *Accounting Horizons*. 14 (June): 235-250.
- DeGeorge, F. Patel J. and Zeckhauser R. (1999). Earnings Management To Exceed Thresholds. *Journal of Business*. (72): 1-33.
- Elias, R. Z. (2002). Determinants of earnings management ethics among accountants. *Journal of Bus. Ethics*. 40 (1): 33–45.
- Gao, W. , Ng, L. , Wang, Q. (2008). Does geographic dispersion affect firm valuation? *Journal of Corporate Finance*. 14 (5): 674–687.
- Garcia, D. , Norli, O. (2012). Geographic dispersion and stock return. *Journal of Financial Economics*. 106 (3): 574–565.
- Graham, J. , Harvey, C. , Rajgopal, S. (2005). The economic implications of corporate financial reporting. *Journal of Accounting and Economics*. 40 (1/3): 3–73.
- Gunny, K. (2010). The relation between earnings management using real activities manipulation and future performance: Evidence from meeting earnings benchmark. *Contemporary Accounting Research*. 27 (2): 855-888.
- Healy, P. M. , and Wahlen, J. M. (1999). A review of the earnings management literature and its implications for standard setting. *Accounting horizons*. 13: 365-383.
- Herrmann, T. , Inoue, T. and Thomas, W. B. (2003). The sale of assets to manage earnings in Japan. *Journal of Accounting Research*. 41 (1): 89-108.
- Heydarpour, F. & Tahrordi, M. (2014). The effect of earnings management on the relation between corporate governance and earning quality. M. A. Thesis. Islamic Azad University, Central Tehran Branch. (in Persian)
- Jaggi, B. , Leung, S. , Gul, F. (2009). Family control, board independence and earnings management: evidence based on Hong Kong firms. *J. Account. Public Policy*. 28 (4): 281–300.

- Kang, J. K. , Kim, J. M. (2008). The geography of block acquisitions. *Journal Finance*. 63 (6): 2817-2858.
- Kheirollahi, F. , Behshour, I. & Ivani, F. (2014). Real earnings management, corporate governance, and cash holding. *Quarterly Journal of Empirical Financial Accounting Studies*. 11 (44): 145-161. (in Persian)
- Kim, J. B. , Sohn, B. C. (2013). Real earnings management and cost of capital. *J. Account. Public Policy*. 32 (6): 518-543.
- Kim, Y. , Park, M. S. , Wier, B. (2012). Is earnings quality associated with corporate social responsibility? *The Accounting Review*, Forthcoming, 87 (3): 761-796.
- Kothari, S. , Mizik, N. , Roychowdhury, S. (2012). Managing for the Moment: The Role of Real Activity versus Accruals Earnings. Management in SEO Valuation. Available at SSRN 1982826.
- Landier, A. , Nair, V. B. , Wulf, J. (2009). Trade-offs in staying close: corporate decision making and geographic dispersion. *Rev. Financ. Stud.* 22 (3): 1119-1148.
- Mashayekhi, B. & Hosseinpour, A. H. (2016). The relationship between real earnings management and accrual earnings management in companies suspected of fraud listed in Tehran Stock Exchange. *Quarterly Journal of Empirical Financial Accounting Studies*. 12 (49) , 29-52. (in Persian)
- McGuire, S. T. , Omer, T. C. , Sharp, N. Y. (2012). The impact of religion on financial reporting irregularities. *Account. Rev.* 87 (2): 645-673
- Mehrani, S. , Eskandari, Gh. & Ganji, H. R. (2014). The relationship between earnings quality, earnings smoothing and stock risk. *Quarterly Journal of Empirical Financial Accounting Studies*. 11 (42): 117-139. (in Persian)
- Merton, R. C. (1987). A simple model of capital market equilibrium with incomplete information. *Journal of Finance*. 42: 483-510
- Petya, P. , Marco, M. (2016). Firm geographic dispersion and financial analysts' forecasts. *Journal of Banking & Finance*. 64: 71-89.
- Rahmani, A. & Rameshe, M. (2013). The relationship between accrual-based earnings management and real activities management. *Journal of the Accounting and Auditing Review*. 20 (4): 39-60. (in Persian)
- Roy Chowdhury, S. (2006). Earnings management through real activities manipulation. *Journal of Accounting and Economics*. 42: 335-370.
- Sabrina, C. , Devin, S. (2015). The Geographic Dispersion of Google Search and the Market Reaction to Earnings Announcements.
- Sanjaya, P. S. and Saragih, M. F. (2012). The Effect of Real Activities Manipulation on Accrual Earnings Management: The Case in Indonesia Stock Exchange (IDX). *Journal of Modern Accounting and Auditing*. 8 (9): 1291-1300.

- Schipper, Katherine. (1989). Commentary on earnings management. *Accounting Horizons*. 3 (4): 91–102.
- Seraina, C. A. , Andrianos, E. T. (2015). The effect of financial leverage on real and accrual-based earnings management. Athens University of Economics & Business (AUEB).
- Shi, G. Sun, J. Luo, R. (2015). Geographic dispersion and earnings management. *J. Account. Public Policy*.
- Subramanyam, K. R. (1996). The pricing of discretionary accruals. *Journal of Accounting and Economics*. (22): 249–281.
- Thomas, J. K. , and H. Zhang. (2002). Inventory changes and future returns. *Review of Accounting Studies*. (7): 163-187.
- Wild, J. J. Bernstein, L. A. and Subramanyam, K. R. (2001). *Financial Statement Analysis*, 7th Ed. New York Mc Graw – Hill Higher Education.
- Yu, W. (2008). *Accounting-Based Earnings Management and Real Activities Manipulation*. Dissertation, Georgia Institute of Technology.
- Zang, A. (2007). Evidence on the Tradeoff between Real Manipulation and Accru Accrual Manipulation, Working paper, University of Rochester.
- Zhao, Y. , Chen, K. H. , Zhang, Y. , Davis, M. (2012). Takeover protection and managerial myopia: evidence from real earnings management. *J. Account. Public Policy*. 31 (1): 109–135.